

بررسی زبانهنگ «سکوت زنانه» در فرهنگ ایران بر اساس الگوی مفهومی تحلیل زبانهنگشیمای ابراهیمی^۱شهلا محمدی ملک آبادی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۹

چکیده

در بافت‌های موقعیتی گوناگون زنان ممکن است از سوی اطرافیان دعوت به سکوت شوند. از آنجایی که این سکوت‌ها ممکن است باعث پیمال شدن حقوق زنان، تحقیر و کم شدن اعتماد به نفس آنان در جامعه شود، مطالعه فرهنگ‌های مستتر در آن‌ها می‌تواند به کاهش این مشکلات بیانجامد. با توجه به اینکه فرهنگ هر جامعه بر زبان آن اثرگذار است، بررسی زبانهنگ «سکوت زنانه» اهمیت زیادی دارد. منظور از این زبانهنگ، بررسی فرهنگ مستتر در پاره‌گفتارهایی است که زنان را دعوت به سکوت می‌کنند. در این راستا، پژوهش حاضر بر اساس الگوی مفهومی تحلیل زبانهنگ به بررسی این پاره‌گفتارها می‌پردازد و ویژگی‌های فرهنگی پنهان در زبان آنان را مشخص می‌کند. بدین منظور، چهارصد و هشتاد قطعه زبانی حاوی این زبانهنگ به کار گرفته شده در مکالمات ۸۱۲ نفر (۴۱۹ نفر مرد و ۳۹۳ زن) از افراد جامعه با میانگین سنی ۱۷ تا ۷۹ سال در بافت‌های متعدد رسمی و غیررسمی مورد ارزیابی قرار گرفتند. نتایج نشانگر این بود که افراد با اهدافی مانند سرزنش، ایجاد شرم، تحقیر و توهین، نصیحت و خیرخواهی، تهدید و ایجاد ترس، زنان را به سکوت وامی‌دارند. از سوی دیگر بسامد استفاده از این زبانهنگ در جامعه ایران بالاست و افراد هیچامد درونی نسبت به این عبارات زبانی دارند. بررسی زبانهنگ سکوت زنانه بر اساس الگوهای فرهنگی بیانگر وجود فاصله قدرت زیاد، جمع‌گرایی، مردنگری، سخت‌گیری، بافت فرهنگی قوی و انتظارمندی بالا در جامعه ایران است و جامعه ایران جزو جوامع کل‌نگر، شرم‌محور و تخته‌سنگی محسوب می‌شود. با شناخت این ویژگی‌های فرهنگی می‌توان بر آگاهی عمومی افزود و مشکلاتی از جمله سکوت ناخواسته زنان را از بین برد؛ تا از این پس حضور زنان در جامع پررنگ‌تر شود و بتوان از نیروی آنان در راه توسعه کشور و تعالی فرهنگی بهره برد.

واژه‌های کلیدی: زنان، سکوت زنانه، الگوی مفهومی تحلیل زبانهنگ، تعالی فرهنگی^۱ دکترای تخصصی زبان‌شناسی همگانی، دانشیار آموزش زبان فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)؛shimaebrahimi@um.ac.ir^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران؛shahla.mohammadimalekabadi@mail.um.ac.ir

۱. مقدمه

زنان همواره می‌توانند در عرصه‌های گوناگون در کنار مردان جامعه حضور داشته باشند و بخشی از بار توسعه جامعه را بر دوش بکشند. به‌عنوان نمونه، زنان دانشگاهی در توسعه اقتصادی، اجتماعی، علمی و سیاسی نقش مهمی را دارند و حضور آنها در بخش‌های گوناگون جامعه به توسعه پایدار و همه‌جانبه کشور منتهی می‌شود (Gheitasi & Azizi, 2020). آنان در بستر خانواده نیز نقش پررنگی دارند و موفقیت و خوشبختی خانواده با حضور و شادکامی زنان گره خورده است (Falakodin & Hajizadeh Meymandi, 2023). در دین اسلام نیز در مورد احترام به زنان بسیار سخن گفته شده است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «من به شما سفارش می‌کنم که به زنان نیکی کنید؛ زیرا آنان امانت‌های الهی در دستان شما هستند» (Ibn Hisham Hemyari, 1963, Vol. 2, p. 251). بنابراین، با توجه به نیاز جامعه به زنان برای پیشرفت و توسعه، نقش آنها در سلامت خانواده و همچنین سفارشات دینی، شایسته است در بسیاری از موارد رفتار با آنان اصلاح شود تا ضمن حفظ کرامت بانوان، استعدادها و خلاقیت آنها فرصت بروز بیشتری داشته باشد و همراه با مردان به سوی ساخت جامعه‌ای پیشرفته و برابر گام بردارند.

یکی از رفتارهایی که مانع رشد زنان می‌شود و گاهی موجبات پایمال شدن حقوق آنها را فراهم می‌کند، «سکوت زنانه»^۱ است. در جامعه ایران حیا و عفت زن بسیار مورد توجه است و «حیا مفهومی زنده و فعال برای ایشان است» (Karami Ghahi & Aliabadi, 2022, p. 101). این شرم و حیا در برخی موارد باعث سکوت زنان می‌شود به طوری که ممکن است زنی که بی‌پروا سخن می‌گوید و حتی به دنبال احقاق حق خود است، به بی‌اخلاقی یا بی‌ادبی محکوم شود.

«سکوت»، غیبت و فقدان صدا است. فقدان ساده صدا «سکوت مطلق»^۲ و فقدان صدایی خاص «سکوت قابل توجه»^۳ نامیده می‌شود (Bilmes, 1994). سکوت را می‌توان به چهار دسته کلی تقسیم کرد: سکوت موضوعی^۴ (شخص عمداً تصمیم می‌گیرد راجع به موضوعی خاص صحبت نکند)، سکوت موقعیتی^۵ (سکوتی که در موقعیت‌های خاص اتفاق می‌افتد مانند سکوت به احترام اموات)، سکوت متنی^۶ (سکوتی که توسط کسانی که متنی خاص را در کتابخانه، مدرسه و ... می‌خوانند، ایجاد می‌شود) و سکوت گفت‌وگویی یا محاوره‌ای که فرد علی‌رغم حضور، در مکالمه شرکت نمی‌کند (Kurzon, 2007). به نظر می‌رسد سکوت زنانه از نوع سکوت محاوره‌ای است و برای کاهش و از بین بردن سکوت زنانه و پیامدهای آن ابتدا باید عوامل فرهنگی ایجادکننده آن شناسایی شوند. بدین منظور می‌توان از الگوی مفهومی تحلیل زبانهنگ^۷ استفاده کرد.

«زبان وسیله‌ای برای انتقال و درونی کردن فرهنگ است؛ بنابراین فرهنگ و زبان در یکدیگر تعبیه شده‌اند و جدا کردن این دو کار آسانی نیست» (Ji, Zhang & Nisbett, 2004, p. 58). عطف به ارتباط میان زبان و فرهنگ و با الهام از تفکرات هلیدی (Halliday, 1986; 1978; 2003)، ویگوتسکی (Vygotsky, 1978; 1986) و سپیرو-ورف (Sapir-Whorf, 1956) که زبان و فرهنگ را دو جزء جدایی‌ناپذیر از یکدیگر می‌دانند، پیش‌قدم (۱۳۹۱) با تلفیق دو واژه «زبان» و «فرهنگ»، مفهوم «زبانهنگ» یعنی «فرهنگ در زبان» را در مطالعات جامعه‌شناختی زبان ارائه داد (Pishghadam & Ebrahimi, 2024; Pishghadam, 2013). او معتقد است ارتباط زبان و فرهنگ به گونه‌ای است که بسیاری از ویژگی‌های فرهنگی در میان واژگان، اصطلاحات، جملات و سایر

1. Female silence

2. Absolute silence

3. Notable silence

4. Thematic silence

5. Situational silence

6. Conversational silence

1. Conceptual model of cultuling analysis

بخش‌های زبان پنهان شده‌اند و با بررسی آن‌ها می‌توان به ژن‌شناسی و فرهنگ‌کاوی زبان^۱ دست یافت؛ بنابراین می‌توان با بررسی پاره‌گفتارهای مربوط به سکوت زنانه، اطلاعات زیادی راجع به فرهنگ در جامعه ایرانی به دست آورد. از این رو، در پژوهش حاضر، ریشه‌یابی فرهنگی سکوت زنانه به وسیله الگوی مفهومی تحلیل زبانهنگ انجام می‌شود. این الگو ویژه بررسی زبان و فرهنگ مستتر در آن است و شامل بخش‌های بررسی زبانهنگ از منظر الگوی SPEAKING، الگوی هیجامد^۲ و برخی الگوهای فرهنگی^۳ متناسب با هر زبانهنگ می‌باشد و از این جهت که به بررسی قوم‌نگاری، هیجانی و فرهنگی زبان به صورت یک‌جا می‌پردازد، الگوی جامعی برای این پژوهش به نظر می‌رسد. بدین ترتیب در یک بررسی همه‌جانبه، عوامل اجتماعی، محیطی، فردی، هیجانات افراد جامعه و در نهایت عوامل فرهنگی اثرگذار در زبانهنگ سکوت زنانه شناسایی و تحلیل می‌شوند و تلاش می‌شود با واکاوی این عبارات زبانی، ژن‌شناسی فرهنگی نسبت به آن صورت پذیرد. پرواضح است برای استفاده از ظرفیت‌های زنان در جامعه، جلوگیری از پایمال شدن حقوق آن‌ها، افزایش اعتمادبه‌نفس و پویایی آنان و ایجاد برابری زن و مرد، در ابتدا باید عوامل ایجاد این سکوت شناسایی شوند و با بررسی علمی، اصلاح یا حذف عوامل اثرگذار، به سوی این اهداف حرکت کرد. بنابراین، در ادامه پس از بررسی پیشینه پژوهش، به بررسی پاره‌گفتارهای «سکوت زنانه» در بافت‌های گوناگون پرداخته می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

۲.۱. مطالعات حوزه سکوت زنان و خشونت علیه آن‌ها

شهبازی‌مقدم و وظیفه‌شناس (Shahbazi Moghadam & Vazifeshenas, 2016) ریشه خشونت به زنان را در زبان و فرهنگ مبتنی بر آن می‌دانند و معتقدند که ساختارهای جنسیتی-اجتماعی و هنجارهای فرهنگی جوامع هستند که باعث احساس خودبرتری در مردان و استفاده از قدرتشان برای اعمال خشونت بر زنان می‌شوند. سهراب‌زاده و منصوریان راوندی (Sohrabzadeh & Mansoriyan Ravandi, 2017) به مطالعه تجربه زنان از خشونت کلامی در خانواده پرداختند. طبق این پژوهش، خشونت کلامی دارای دلایلی از جمله سیستم اجتماعی شدن نامناسب، تبعیض و نابرابری جنسیتی، ضعف قوانین، ارزش‌های مردسالاری و یادگیری اجتماعی است. یکی دیگر از پژوهش‌های این حوزه، مربوط به سکوت زنان در دانشگاه‌هاست. در این راستا آستون و فو (Aiston & Fo, 2020) با سی و پنج نفر از زنانی که در محیط آکادمیک مشغول به کار بودند، درباره مسئله سکوت زنان در محیط کار مصاحبه کردند. نتایج نشان داد عواملی مانند کمبود اعتمادبه‌نفس، محدودیت در رفتار زنان و ترس از شکست می‌تواند باعث سکوت شوند. لطفی دهخوارقانی و مهارتی (Lotfi Dehkhargani & Maharati, 2022) به بررسی علت‌های سکوت زنان در محیط آکادمیک پرداختند و بیان داشتند که درماندگی آموخته شده به زنان، اقتدار مردانه در دانشگاه، اجتماعی شدن، زندگی دوگانه پرمشغله، تنظیمات نهادی و حجب و حیا از علل سکوت آن‌هاست. زنان به مرور زمان آموخته بودند در حضور مردان بهتر است اظهار نظر نکنند و ساکت بمانند؛ زیرا ممکن است شکستن سکوت در محل کار پیامدهای منفی به دنبال داشته باشد. صادق‌زاده و همکاران (Sadeghzadeh et al., 2022) نیز به بررسی رابطه هم‌نوایی^۴ با هنجارهای زنانه و ادراک تبعیض جنسیتی و اثر آن بر کیفیت زندگی زنان ایرانی پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که هم‌نوایی با هنجارهای زنانه باعث ایجاد نوعی تضاد بین جلوه درونی و بیرونی زنان می‌شود. در ورای ظاهر این هنجارها فرهنگ‌هایی وجود دارند که زنان را وادار به خودخاموشی و سرکوب احساسات و افکار می‌کنند. هم‌چنین وجود تبعیض جنسیتی در جامعه باعث خاموش ساختن افکار و احساسات زنان می‌شود که این مسئله بر سلامت روان و کیفیت زندگی زنان

1. Culturology of language
3. Emotioncy model
4. Cultural models
1. Conformity

ایرانی تاثیرات منفی دارد. از آنجایی که پژوهش حاضر زبانه را مورد بررسی قرار می‌دهد، در ادامه به معرفی اجمالی برخی پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه زبانهنگ پرداخته می‌شود.

۲.۲. مطالعات صورت گرفته در حوزه زبانهنگ

پس از معرفی مفهوم زبانهنگ توسط پیش‌قدم (Pishghadam, 2013) پژوهش‌های زیادی با محوریت بررسی زبانهنگ‌ها انجام شده که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود. پیش‌قدم، درخشان و جنتی‌عطایی (Pishghadam et al., 2020) پنجاه فیلم از دهه شصت و پنجاه فیلم از دهه نود را از نظر زبانهنگ‌های مردسالاری و زن‌سالاری مورد بررسی قرار دادند. این بررسی نشان داد که زبانهنگ مردسالاری در دهه شصت با گذشت زمان کم‌رنگ‌تر شده و به تدریج جای خود را به زن‌سالاری داده است. در پژوهشی دیگر پیش‌قدم، درخشان و ابراهیمی (Pishghadam et al., 2020) با مطالعه زبانهنگ «ارزش‌کاهی»^۱ به این نتیجه رسیدند که این زبانهنگ در محیط کاری و دانشگاهی که محیط رقابت‌زایی دارند، بیشتر دیده می‌شود. هم‌چنین در جوامعی مانند ایران، ارزش کارهای زنان و دستاوردهای آنان نسبت به مردان بیشتر نادیده گرفته می‌شود. ابراهیمی و جهانی (Ebrahima & Jahani, 2020) در پژوهشی زبانهنگ‌های مرگ محوری موجود در شاهنامه فردوسی را با استفاده از الگوی مفهومی تحلیل زبانهنگ مورد بررسی قرار دادند و استفاده از متون حاوی زبانهنگ‌ها را برای تدریس فرهنگ به غیرفارسی‌زبانان پیشنهاد کردند. هم‌چنین ابراهیمی و جهانی (Ebrahimi & Jahani, 2021) با توجه به تأثیر کلاس ادبیات فارسی بر هویت‌سازی دانش‌آموزان، بر استفاده از زبانهنگ‌های مثبت آموزشی موجود در کتاب‌های درسی مانند زبانهنگ علم‌اندوزی، توسط معلمان تأکید کردند. این پژوهش نشان داد با توجه به مفهوم هیجامد، درگیر کردن هیجان‌ات دانش‌آموزان در مسیر آموزش می‌تواند تأثیر زیادی بر یادگیری آن‌ها بگذارد.

لازم به ذکر است پژوهش‌های انجام شده در این حوزه باعث مشخص شدن برخی ویژگی‌های فرهنگی جامعه ایرانی شدند که می‌توان از آن‌ها در مسیر اصلاح فرهنگی جامعه و آموزش استفاده نمود. در ادامه، روش انجام پژوهش حاضر به طور مختصر شرح داده خواهد شد.

۳. مبانی نظری پژوهش

۳.۱. الگوی مفهومی تحلیل زبانهنگ

پیش‌قدم (Pishghadam, 2013) با مطرح کردن مفهوم زبانهنگ معتقد است می‌توان از طریق تحلیل زبان و به‌ویژه قطعات زبانی حامل اطلاعات فرهنگی، به فرهنگ حاکم بر جامعه دست یافت. هر زبانهنگ در زیرمجموعه فرازبانهنگ‌ها^۲ قرار می‌گیرد بدان معنا که «چندین عبارت زبانی می‌توانند تشکیل یک زبانهنگ را دهند و از مجموع چند زبانهنگ، فرازبانهنگ حاصل می‌شود» (Pishghadam, 2013, p. 57). به عنوان مثال جمع‌گرایی^۳ یک فرازبانهنگ است که زبانهنگ‌های فردیت‌پرهیزی و صراحت‌گریزی در ذیل آن قرار می‌گیرند (Pishghadam, 2013).

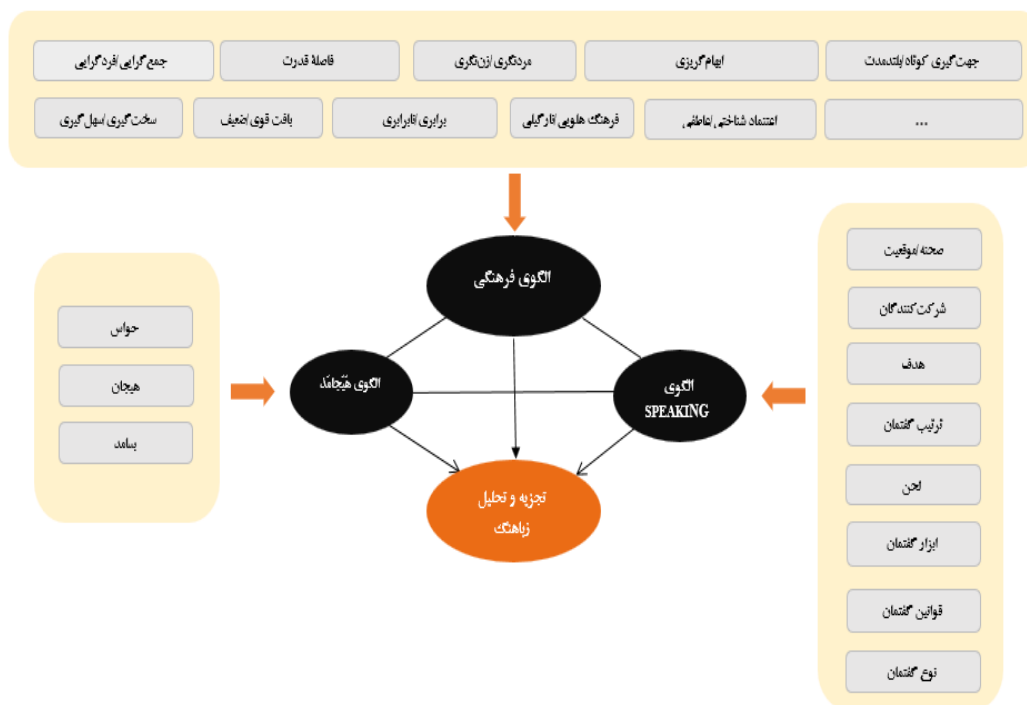
فرهنگ می‌تواند از نسلی به نسل دیگر منتقل شود و اگر ویژگی‌های فرهنگی، افراد زیادی از جامعه را درگیر کنند، پایدار می‌شوند و به دیگران انتقال پیدا می‌کنند. درواقع آن‌ها مانند اطلاعات ژنتیکی درون DNA عمل می‌کنند. این ویژگی‌های فرهنگی، ژن یا میم فرهنگی^۴ نامیده می‌شوند. ژن‌های فرهنگی قابلیت تقلید و انتقال دارند و می‌توانند مثبت یا منفی باشند (Dawkins, 1976). به نظر

2. Devaluation
1. Metacultuling
2. Collectivism
3. Cultural memes

می‌رسد در اکثر مواقع زن اگر خوب باشد، رفتارهای خوب را شاهد خواهیم بود و افراد سلامت اجتماعی و روانی خواهند داشت و چنانچه زن بد باشد، رفتارهای نادرست و نابهنجار را شاهد خواهیم بود و افراد از سلامت اجتماعی و روانی کمتری برخوردار خواهند بود (Dawkins, 1989; Pishghadam & Ebrahmi, 2024). بنابراین به نظر می‌رسد با شناخت فرهنگ می‌توان زن‌های معیوب را تغییر داده یا اصلاح کرد و به سوی به فرهنگی و تعالی فرهنگی گام برداشت (Pishghadam et al., 2020).

با توجه به اهمیت زیاهنگ‌ها در دستیابی به فرهنگ و بهبود وضعیت فرهنگی جوامع، پیش‌قدم، ابراهیمی و درخشان (Pishghadam et al., 2020) الگوی مفهومی تحلیل زیاهنگ را معرفی کردند. در این الگو عناصر و عوامل محیطی که زیاهنگ در آن به کار برده می‌شود و هیجانات افراد در مورد آن زیاهنگ واکاوی شده، در نهایت ویژگی‌های فرهنگی براساس الگوهای فرهنگی استخراج و معرفی می‌شوند (شکل ۱).

شکل ۱: الگوی مفهومی تحلیل زیاهنگ (Pishghadam et al., 2020)



۳.۱.۱. الگوی SPEAKING^۱

هایمز^۲ (۱۹۶۷) این الگو را با توجه به اهمیت بافت و محیط فرهنگی هر زبان، مطرح کرد. بدان معنی که در هر جامعه، فرهنگ و قوانین خاصی وجود دارند و افراد با توجه به آن‌ها دست به انتخاب و استفاده از ساختارهای زبانی مختلف می‌زنند. وی عوامل اثرگذار بر انتخاب‌های زبانی افراد را به هشت دسته کلی تقسیم کرده است:

1. SPEAKING model
2. Hymes

موقعیت زمانی و مکانی^۱ (S): به زمان و مکان یک کنش گفتاری و به طور کلی به شرایط فیزیکی آن اشاره دارد (Hymes, 1972, p. 60).

شرکت کنندگان^۲ (P): شرکت کنندگان، افراد درگیر در یک مکالمه هستند که می‌توانند در جایگاه‌های متفاوتی نسبت به یکدیگر قرار بگیرند (Ebrahimi & Jahani, 2020).

هدف^۳ (E): هدف به نتایج، پیامدهای متعارف و موردانتظار یک رویداد گفتاری اشاره دارد (Hymes, 1972).

ترتیب گفتمان^۴ (A): ترتیب عملکرد شرکت کنندگان را نشان می‌دهد (Goffman, 1971).

لحن^۵ (K): «این مؤلفه برای تشخیص حالت یا فضایی که گفتمان در آن اتفاق می‌افتد، شناخته می‌شود» (Hymes, 1972, p. 62).

ابزار گفتمان^۶ (I): «ابزار گفتمان به چگونگی انتقال آن اشاره دارد و ممکن است به شکل‌های شفاهی، نوشتاری، تلگرافی، مخابره‌ای یا سایر وسایل انتقالی باشد» (Hymes, 1967, p. 24).

قوانین گفتمان^۷ (N): «رفتارها و ویژگی‌های خاص مشترکی که ممکن است همراه با اعمال گفتاری بیایند» (Hymes, 1967, p. 24).

نوع گفتمان^۸ (G): منظور از نوع، دسته‌بندی‌ها یا انواع اعمال و رویدادهای گفتاری مانند شعر، افسانه، داستان، ضرب‌المثل، چیستان و ... است (Hymes, 1972).

دومین مؤلفه الگوی مفهومی زبانهنگ، الگوی هیجامد است که در ادامه معرفی می‌گردد:

۳. ۱. ۲. الگوی هیجامد^۹

مفهوم هیجامد توسط پیش‌قدم، طباطبائیان و ناوری (Pishghadam et al., 2014) با عنوان «درجه هیجانی» معرفی شد و پیش‌قدم (Pishghadam, 2015) با تلفیق دو واژه هیجان و بسامد نام «هیجامد» را برای آن برگزید. براساس این مفهوم، واژه‌ها دارای بار عاطفی هستند و افراد نسبت به واژگان مختلف هیجان‌ات متفاوتی را تجربه می‌کنند (Pishghadam, 2015). براساس این الگو (شکل ۲)، پایین‌ترین سطح مربوط به هیجامد تهی^{۱۰} است. در این سطح شخص هیچ اطلاع و حس و هیجانی نسبت به موضوع ندارد (مرحله هیچ‌آگاهی^{۱۱}). در سطح دوم، شخص درباره موضوع فقط شنیده است (هیجامد شنیداری^{۱۲}) و در سطح سوم، موضوع را شنیده و به چشم دیده است (هیجامد دیداری^{۱۳}). در صورتی که شخص علاوه بر شنیدن و دیدن، موضوع را لمس نیز کرده باشد، در سطح هیجامد لمسی-حرکتی^{۱۴} قرار می‌گیرد و وارد مرحله برون‌آگاهی^{۱۵} می‌شود. پس از آن چنانچه اطلاعات خود را نسبت به موضوع افزایش دهد

3. Setting or scene

1. Participants

2. End

3. Act sequence

4. Key

5. Instrumentalities

6. Norms

7. Genre

8. Emotioncy model

1. Null emotioncy

2. Avolvement

3. Auditory emotioncy

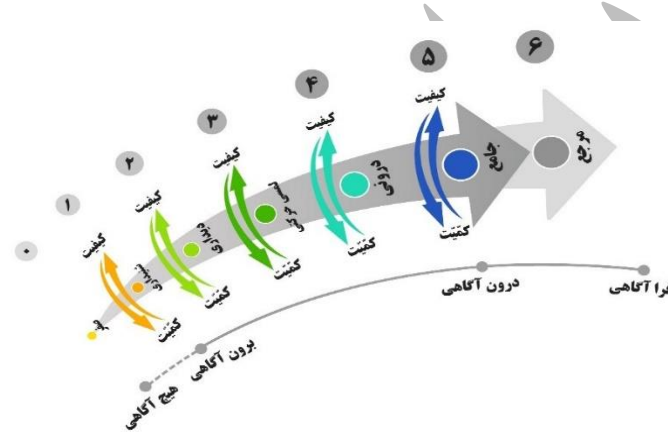
4. Visual emotioncy

5. Kinesthetic emotioncy

6. Exvolvement

و از آن تجربه مستقیم داشته باشد، وارد سطح هیجامد درونی^۱ می‌شود. پس از آن، سطح هیجامد جامع^۲ قرار دارد که با تحقیق و پژوهش در مورد موضوع مورد نظر، حاصل می‌شود (مرحله درون‌آگاهی^۳). در نهایت آخرین سطح هیجامد، هیجامد مرجع^۴ است که فرد در مرحله فراآگاهی^۵ قرار می‌گیرد و آنقدر اطلاعاتش از موضوع عمیق و زیاد است که حتی خود او می‌تواند در آن حوزه دست به خلق بزند (Pishghadam et al., 2019).

شکل ۲: الگوی هیجامد مبسوط (Pishghadam et al., 2019)



سومین مولفه الگوی مفهومی تحلیل زیاهنگ، الگوهای فرهنگی هستند که در ذیل به آن‌ها پرداخته می‌شود:

۳.۱.۳. الگوهای فرهنگی^۶

«الگوهای فرهنگی طحواره‌های شناختی هستند که به صورت بینافردي میان اعضای یک گروه اجتماعی مشترک هستند» (D'Andrade, 1998, p. 809) و دسته‌بندی‌های مختلفی دارند. یکی از آن‌ها، الگوهای فرهنگی هافستد^۷ است که شامل ابعاد شش‌گانه فاصله قدرت^۸، عدم اطمینان^۹ (ابهام‌گریزی)، فردگرایی^{۱۰} در مقابل جمع‌گرایی^{۱۱}، مردنگری^{۱۲} در مقابل زنگری^{۱۳}، جهت‌گیری‌های کوتاه‌مدت^{۱۴} در مقابل جهت‌گیری‌های بلندمدت^{۱۵} و سهل‌گیری^{۱۶} در مقابل سخت‌گیری^{۱۷} می‌باشد.

«فاصله قدرت به میزان توزیع نابرابر قدرت که اعضای کم‌قدرت نهادها، سازمان‌ها و جوامع انتظار آن را دارند و می‌پذیرند، گفته می‌شود» (Hofstede et al., 2010, p. 61). بر این اساس، جوامع به دو دسته جوامع با فاصله قدرت زیاد^{۱۸} و جوامع با فاصله قدرت

7. Inner emotioncy
8. Arch emotioncy
9. Involvement
10. Mastery emotioncy
11. Metavolvement
1. Cultural models
2. Hofstede's cultural dimensions
3. Power distance
4. Uncertainty avoidance
5. Individualism
6. Collectivism
7. Masculinity
8. Femininity
9. Short-term orientation
10. Long-term orientation
11. Indulgence
12. Restraint
13. Large power distance

کم^۱ تقسیم می‌شوند. در جوامع با فاصله قدرت زیاد میزان نابرابری در توزیع قدرت بین اقشار مختلف زیاد است. در مقابل، در جوامع با فاصله قدرت کم میزان نابرابری در توزیع قدرت بین اقشار مختلف کمتر است (Hofstede et al., 2010).

ابهام‌گریزی به چالش عدم اطمینان نسبت به آینده و شرایط ناشناخته مربوط می‌شود. براین اساس می‌توان جوامع را به دو دسته تقسیم کرد: جوامع با ابهام‌گریزی قوی^۲ که در آن افراد نسبت به آینده و خطرات احتمالی نگرانی بیشتری دارند و جوامع با ابهام‌گریزی ضعیف^۳ که در این جوامع افراد نگرانی کمتری نسبت به آینده و خطرات احتمالی دارند (Hofstede et al., 2010). هم‌چنین در برخی فرهنگ‌ها فردیت شخص در اولویت قرار دارد و او در تصمیمات و رفتارها ابتدا نظر و منفعت خود را در نظر می‌گیرد. در مقابل برخی جوامع به جمع اهمیت زیادی می‌دهند و هنگام تصمیم‌گرفتن یا انجام کاری، نظر و مصلحت دیگران را در نظر می‌گیرند. براین اساس جوامع به دو دسته فردگرا و جمع‌گرا تقسیم می‌شوند (Hofstede et al., 2010).

مردنگری و زننگری جوامع نیز با توجه به نقش‌های اجتماعی افراد، قوانین مربوط به آن‌ها و نحوه برخورد با هر جنس مشخص می‌شود (Hofstede et al., 2010, p.137). جوامع هنگامی مردنگر نامیده می‌شوند که نقش‌های جنسیتی عاطفی به‌وضوح متفاوت باشند: مردان باید قاطع، سرسخت و متمرکز بر موفقیت مادی باشند در حالی که زنان باید متواضع‌تر و مهربان‌تر باشند، هم‌چنین بیشتر به کیفیت زندگی توجه کنند. زمانی که نقش‌های جنسیتی عاطفی با هم تطابق داشته باشند، یک جامعه زن‌نگر نامیده می‌شود (ibid, 140). از سوی دیگر جوامع با توجه به میزان توجه و اهمیت به آینده به جوامع با جهت‌گیری‌های کوتاه‌مدت و جوامع با جهت‌گیری‌های بلندمدت تقسیم می‌شوند. در جوامع با جهت‌گیری‌های کوتاه‌مدت افراد معمولاً بیشتر به زمان گذشته و حال اهمیت می‌دهند، برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و دیدگاه‌های مقطعی دارند، کمتر به آینده می‌اندیشند و کمتر برای آن برنامه‌ریزی می‌کنند. در مقابل جوامعی وجود دارند که به آینده اهمیت می‌دهند، اهداف بلندمدتی دارند که به آن‌ها می‌اندیشند، برنامه‌ریزی می‌کنند و برای رسیدن به آن‌ها مصرا نه تلاش می‌کنند (Hofstede et al., 2010).

در یک دسته‌بندی دیگر نیز جوامع به سهل‌گیر و سخت‌گیر تقسیم می‌شوند. «در جوامع سهل‌گیر ارضای تمایلات مربوط به نیازهای انسان و لذت بردن از زندگی مورد توجه قرار می‌گیرد، در حالی که جوامع سخت‌گیر به دنبال مهار این خواسته‌ها حتی با توسل به هنجارهای سخت اجتماعی هستند» (Hofstede et al., 2010, p. 281).

علاوه بر الگوی هافستد، بندیکت^۴ نیز یک الگوی فرهنگی دوجزئی ارائه کرده است که جوامع را به دو گروه گناه‌محور^۵ و شرم‌محور^۶ تقسیم می‌کند. در جوامع گناه‌محور افراد پس از انجام کاری اشتباه، حتی اگر دیگران متوجه آن نباشند، احساس گناه می‌کنند. در مقابل در جوامع شرم‌محور، شرم عکس‌العملی در مقابل انتقاد دیگران است و تا زمانی که دیگران متوجه خطا نشده‌اند، شخص احساس شرم نمی‌کند و در این جوامع کنترل اجتماعی بیشتر است (Benedict, 1946).

هم‌چنین مینکوف (Minkov, 2007) براساس قابلیت‌های تغییر و انعطاف‌پذیری، جوامع را به دو دسته جوامع تخته‌سنگی^۷ و خاک‌رسی^۸ تقسیم می‌کند. او تصریح می‌کند در جوامع تخته‌سنگی، وجود نوعی غرور و افتخار مانع از ایجاد تغییرات در افراد می‌شود، آن‌ها به افکار، اخلاق، پیشینه، تاریخ و ... خود مفتخر هستند و احساس می‌کنند نیازی به آموزش‌های جدید و سبک زندگی نو ندارند؛

14. Small power distance

15. Strong uncertainty avoidance

16. Weak uncertainty avoidance

1. Benedict

2. Guilt culture

3. Shame culture

1. Monumentalist culture

2. Flexhumility

هم‌چنین سازگاری با شرایط جدید برای آن‌ها دشوار است. در این جوامع جایگاه زنان پایین‌تر از مردان قرار می‌گیرند و آن‌ها باید به غرور مردان احترام بگذارند. در نقطه‌ی مقابل در جوامع خاک‌رسی افراد نوعی فروتنی دارند که باعث می‌شود در صورت نیاز در افکار، اخلاق، عادات، دین و ... خود تغییراتی ایجاد کنند. آن‌ها مفاهیم جدیدی که وارد زندگی بشر می‌شوند را می‌پذیرند و حاضر هستند درباره‌ی آن‌ها آموزش ببینند؛ هم‌چنین قابلیت سازگاری بیشتری با شرایط جدید دارند. در این جوامع جایگاه زنان و مردان برابر است و نیازی نیست زنان به غرور مردان احترام بگذارند (Minkov, 2011).

پیش‌قدم (Pishghadam, 2024) نیز مفهوم انتظارمندی^۱ را با عنوان یک تمایل روان‌شناختی به انتظار یک اتفاق مثبت یا منفی بدون انجام اقدام یا مسئولیت‌پذیری کافی معرفی کرده است و پیش‌قدم و ابراهیمی (Pishghadam & Ebrahimi, 2024)، این مفهوم را به جامعه‌شناسی بسط داده و جوامع را براساس انتظارمندی آن‌ها به دو گروه با انتظارمندی بالا^۲ و انتظارمندی پایین^۳ تقسیم می‌کنند. در جوامع با انتظارمندی بالا، افراد به آداب و رسوم احترام زیادی می‌گذارند و تصمیمات و روابط گروهی و هم‌چنین روابط سلسله‌مراتبی و فاصله‌ی قدرت برای آن‌ها اهمیت دارد. مردم در اینگونه جوامع در تصمیم‌گیری منفعل و به سنت، تقدیر، شانس و ... معتقد هستند. در مقابل، مردم در جوامع با انتظارمندی پایین به آداب و رسوم اهمیت چندانی نمی‌دهند، معمولاً فردگرا هستند و اعتقاد زیادی به احترام و فاصله‌ی قدرت ندارند. تقدیر، شانس و سنت نیز برای آن‌ها اهمیت چندانی ندارد، بنابراین در فعالیت‌ها تلاش بیشتری می‌کنند و برنامه‌ریزی بیشتری برای امور دارند (Pishghadam & Ebrahimi, 2024).

۴. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی و از نظر هدف کاربردی است و به بررسی مسئله سکوت زنان، میزان، علل و ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی آن می‌پردازد. بدین‌منظور در طول یک‌سال (دی ماه ۱۴۰۱ لغایت دی ماه ۱۴۰۲) با استفاده از روش مشاهده مستقیم، چهارصد و هشتاد پاره‌گفتار از مکالمات ۸۱۲ نفر (۴۱۹ نفر مرد و ۳۹۳ زن) از افراد جامعه با میانگین سنی ۱۷ تا ۷۹ سال در اماکن خصوصی و عمومی اعم از ادارات، بانک‌ها، بازار، دانشگاه، مدارس، رسانه‌های اجتماعی و حتی جمع‌های خانوادگی و تجربیات شخصی نویسندگان تا زمان رسیدن به اشباع جمع‌آوری شدند. این پاره‌گفتارها شامل تمامی گفتارهای حاوی دعوت یا وادار کردن زنان به سکوت بودند که به اشکال گوناگون و در بین اقشار مختلف جامعه مورد استفاده قرار می‌گرفتند و از طریق مشاهده و ثبت مکالمات آنان که حاوی زبانه‌سکوت زنان بودند، جمع‌آوری شدند. لازم به ذکر است در زمان اشباع با وجود افزایش تعداد داده‌ها، دیگر اطلاعات تازه‌ای درباره‌ی شرکت‌کنندگان لحن‌ها، اهداف و موقعیت‌ها افزوده نمی‌شد. بنابراین، پژوهش وارد مرحله‌ی تحلیل و بررسی شد. داده‌های جمع‌آوری شده در ابتدا با استفاده از الگوی SPEAKING، هایمز بررسی شدند. سپس با استفاده از مفهوم هیجامد، هیجانان و احساسات مردم نسبت به این زبانه‌سکوت در سطح جامعه بررسی شد. بدین‌منظور از ۱۱۷ نفر (۶۰ مرد و ۵۷ زن) به صورت نمونه‌گیری تصادفی در دسترس در مورد هیجامد آنان و میزان استفاده از عبارات مرتبط با سکوت زنانه در کلام با توجه به سطوح هیجامد و نوع هیجان تجربه شده به هنگام شنیدن این عبارات سؤال پرسیده شد و هیجامد غالب این زبانه‌سکوت سنجیده شد. سؤالات مورد نظر به این صورت بود که آیا آنان عبارات مرتبط با سکوت زنانه مانند «در جایی که مرد هست که زن حرف نمی‌زنه؛ دختر باید زبانش را دور دهانش هفت دور بچرخونه و بعد حرف بزنه و ...» را شنیده‌اند (هیجامد شنیداری) / شنیده‌اند و در متون فارسی دیده‌اند (هیجامد دیداری) / شنیده‌اند، دیده‌اند و در زندگی روزمره خود به کار می‌برند (هیجامد لمسی حرکتی) / افزون‌بر موارد قبلی در زندگی روزمره خود بارها

1. Waitance
2. High waitance culture
3. Low waitance culture

به کار می‌برند (هیجامد درونی)/ افزون بر موارد قبلی نسبت به این عبارات دغدغه‌مند هستند و به دنبال کسب اطلاعات بیشتر و تحقیق در مورد علت استفاده از آنان در سطح جامعه می‌باشند (هیجامد جامع). از سوی دیگر از آنان خواسته شد بگویند به هنگام شنیدن این عبارات چه حس و هیجانی اعم از خشی / خیلی منفی / منفی / مثبت / خیلی مثبت را تجربه می‌کنند. در نهایت با انطباق بر ابعاد الگوهای فرهنگی مختلف، ویژگی‌های فرهنگی نهفته در این زبانه‌نگ مشخص شدند. لازم به ذکر است داده‌های جمع‌آوری شده توسط نگارندگان پژوهش بررسی محتوایی شده و ضریب همبستگی آنان ۰.۹۱ درصد بوده است که نشان از اعتبار داده‌ها دارد. افزون‌براین، به علت حجم زیاد داده‌ها و محدودیت فضای مقاله به آوردن یک نمونه برای هر یک از بخش‌ها بسنده شده است.

۵. یافته‌های پژوهش

۵.۱. بررسی زبانه‌نگ سکوت زنانه با استفاده از الگوی SPEAKING هایمز

۵.۱.۱. موقعیت زمانی و مکانی: این زبانه‌نگ در موقعیت‌های عمومی / رسمی و خصوصی / غیررسمی استفاده می‌شود.

موقعیت عمومی / رسمی: مکالمه دو همکار در بانک

«خانم امینی لطفاً شما چیزی نگید و اجازه بدید آقای مصطفایی با ارباب رجوع ناراضی صحبت بکنند. ایشون مردن. حرفشون بُرنده‌تره».

اما طی بررسی داده‌ها مشخص شد به ازای هر یک نمونه کاربرد این زبانه‌نگ در موقعیت عمومی / رسمی، هفت نمونه کاربرد در موقعیت خصوصی / غیررسمی وجود دارد. برای مثال مادر شوهری در حال درد دل در جمع خانواده پدری‌اش، گفت و گو با عروس‌های خود را بازگو می‌کند:

«عروس‌ها می‌نشین کنار هم و پیچ‌پیچ می‌کنند. من میرم نزدیکشون فوری ساکت میشن. منم بهشون گفتم خوب نیست انقدر تو جمع حرف می‌زنین. زن باید ساکت و سنگین باشه».

۵.۱.۲. شرکت کنندگان: این زبانه‌نگ در میان افراد با موقعیت‌های هم‌تراز و رسمی، هم‌تراز و غیررسمی، نابرابر و رسمی و نابرابر و غیررسمی به کار می‌رود اما بسامد استفاده از آن در میان افراد با موقعیت نابرابر و غیررسمی بیشتر است.

هم‌تراز و رسمی: دو همکار در یک شرکت:

«به نظر من شما نباید با آقای جمالی بحث می‌کردید. جایی که طرف مقابلتون مرده، سکوت کنید تا احترام خودتون حفظ بشه».

هم‌تراز و غیررسمی: دو دوست در خیابان

+ «خواستیم از جلوی این مغازه رد بشیم، ساکت شو. بیهو نخندیا.» مغازه دامادمونه. به بابام می‌گه».

«خب بگه».

+ «آخه بابام خوشش نمیاد. بعداً میگه چرا تو کوچه خیابون بلند بلند حرف می‌زدی».

نابرابر و رسمی: معاون دبیرستان دخترانه خطاب به دانش‌آموزان:

+ «نمیشه یه مهمون دعوت کرد توی این مدرسه. انقدر حرف زدید که آبروی مدرسه رو بردید. الان توی بقیه مدارس پیش بقیه مدیرها می‌گه دخترای مدرسه فارابی خیلی پرحرفن. حداقل به احترام سنش ساکت می‌شدید».

نابرابر و غیررسمی: خاله خطاب به خواهرزاده پنج‌ساله:

«خاله قریونت برم نمی‌خواد اصلاً با پسر حرف بزنی. هروقت اذیتت کردن، اصلاً جوابشون رو نده. فقط بیا به من بگو».

سن و جنسیت: بررسی‌ها نشان داد که این میزان استفاده از این زبانه‌نگ در زنان و مردان تقریباً یکسان است و هر دو جنسیت با بسامد بالا از این زبانه‌نگ در کلام استفاده می‌کنند:

نمونه استفاده زنان: مادر خطاب به دختر در جمع خانواده:

«تو هیچی نگو. اونا خودشون می‌دونن. بنابر برادرات هر جوری مصلحت می‌دونن، ارث رو تقسیم کنند. سهم تو رو هم می‌دن».

نمونه استفاده مردان: مرد خطاب به همسرش در پی جروبحث زن با کارکنان مؤسسه آموزشی:

«نمی‌خواد با حرف زدن با اینا خودتو کوچیک کنی. برو تو ماشین من خودم حلش می‌کنم».

میزان تحصیلات و طبقه اجتماعی: استفاده از این زبانه‌نگ در میان افراد با میزان تحصیلات متفاوت و طبقه‌های اجتماعی مختلف دیده شد. برخلاف انتظار، رابطه معناداری بین میزان تحصیلات، طبقه اجتماعی و استفاده از این زبانه‌نگ وجود نداشت. به عبارت دیگر، نتایج تحلیل داده‌ها نشان داده است که این زبانه‌نگ در میان تمامی افراد با تحصیلات گوناگون و جایگاه اجتماعی متفاوت به کار می‌رود و بسامد آن در میان تمامی افراد با میزان بالاست. برای مثال استاد درس عمومی معارف که دختران را به سکوت دعوت می‌کند:

«روایت شده است که یکی از چیزهایی که پیامبر (ص) در هنگام بیعت کردن با زنان از آنان درخواست کرد، این بود که با مردان سخن نگویند؛ مگر با محارم خود. پس تا جای امکان کمتر صحبت کنید. با تن پایین. اجازه بدید دیگران خودشون مسائل رو حل کنند. آقاییون خودشون کارها رو پیش ببرن. چی بهتر از سکوت؟»

در مثالی دیگر مادری خانه‌دار که در لباس فروشی با دختر خود صحبت می‌کند:

«برای چی جواب باباتو می‌دی؟ گفت نمی‌خواد این مانتو رو بخری، بگو چشم. یکی دیگه می‌خریم. یه لباس که انقدر جنجال نداره».

۵.۱.۳. هدف: اکثر گفتمان‌های حاوی زبانه‌نگ سکوت زنانه بیش از یک هدف را دنبال می‌کنند که عبارت‌اند از:

شکل ۳. اهداف و بسامد کاربرد زبانه‌نگ سکوت زنانه

اهداف	فراوانی نسبی
سرزنش	۳۰٪
تحقیر و توهین	۲۰٪
نصیحت و خیرخواهی	۱۴٪
ایجاد شرم	۱۳٪
ایجاد ترس و تهدید	۱۳٪
درخواست چشم‌پوشی	۱۰٪

در ذیل به تعدادی از این اهداف با ذکر مثال اشاره می‌شود:

سرزنش: مکالمه بین مادر و دختر:

«یه ساعته نشسته بودی کنار پسر عموت چی پچ‌پچ می‌کردین؟ انقدر نشین کنار این حرف بزنی. حالا بقیه پشت سرتون چی می‌گن؟ آخه دختر انقدر بی‌ملاحظه می‌شه؟»

تحقیق و توهین: مکالمه دو کاربر برنامه اینستاگرام در بخش نظرات پستی درباره برابری زن و مرد:

«حرف نزن بابا آخه تو چی می فهمی. شما زنا منقرض بشید، ببینید ما چجوری تنهایی روی کره زمین زندگی می کنیم. راحت و آسوده. دیگه یکی مثل شما نیست که هی تق بزنه و وراجی کنه».

نصیحت و خیر خواهی: گفت و گوی دو همسایه پس از جروبحث یکی با همسرش:

« عزیز من خود خدا هم قریونش برم ما رو بعد مرد آفرید. به پر و پاش نیچ. کاری می کنه چیزی نگو. فکر کردی طرف تو رو می گیرن؟ نه! همین همسایه ها که الان دورت جمع شدن آب قند دستت می دن، می رن می گن زنه بی حیاست که صداتش تو کوچه پیچیده».

ایجاد شرم: مکالمه مادر و دختر پیش از مراسم خواستگاری:

+ «مامان من خودم شرط و شروطی دارم. می ترسم بابا اون موقع یادش بره و در موردشون حرف نزنه».

- «خجالت بکش دختر. این حرفا که به من گفتی جلوی بابات یا خواستگارا نگی ها. می گن چه دختر پرویه».

ایجاد ترس و تهدید: مکالمه صاحب مغازه لباس فروشی و فروشنده:

- «خانم وفاپور یکبار دیگه ببینم به جای توجه به مشتری مشغول تلفنی حرف زدن و خندیدنید دیگه جاتون اینجا نیست. الان یک ساعته مشتری منتظره شما برا خودت می گی می خندی».

درخواست چشم پوشی: مکالمه دو کاربر اینستاگرام در بخش نظرات پستی که از کاربران خواسته بود درباره ناراحت کننده ترین کار شریک زندگیشان بنویسند:

- «من هر دفعه می رم خونه مادرشوهرم از دست حرفا و کاراش ناراحت می شم. گاهی هم که جوابشو می دم، شوهرم طلبکار می شه که چرا با مادرم اینجوری حرف زدی. واقعاً دلم می شکنه».

+ «عزیزم به حرفاش بی توجهی کن. نمی خواد جوابش رو بدی. این گوشت در باشه اون یکی دروازه. اینجوری خودت کمتر حرص می خوری. اونا که قرار نیست تغییر کنند».

۵. ۱. ۴. **توتیب عملکرد:** افرادی که از این زبانهنگ استفاده می کنند، قصد دارند مخاطب خود را ترغیب به سکوت و پایان دادن به مکالمه کنند. مخاطب پس از شنیدن این زبانهنگ ممکن است به صحبت خود ادامه دهد، با پر خاش پاسخ دهد، حرف گوینده را تأیید و یا سکوت کند. برای مثال گفت و گوی پدر و دختر کوچکش در مغازه:

پدر: «یه ذره از این دختر کوچولو یاد بگیر. از تو کوچیک تره ولی نمی گه بریم بریم خسته شدم. توام یه دقیقه هیچی نگو. مثل اون خانوم باش».
دختر با لحنی پر خاشگرا نه: «نمی خوامم. خسته شدم. تشنه».

۵. ۱. ۵. **لحن:** برخی از لحن های پربسامد این زبانهنگ عبارت اند از:

شکل ۴. لحن های مورد استفاده در زبانهنگ سکوت زنانه

فرآوانی نسبی	لحن
٪ ۳۷	جدی
٪ ۱۸	تحقیر آمیز
٪ ۱۵	تهدید آمیز

نصیحت آمیز	۱۳/۵٪
شکایت آمیز	۱۱٪
طنز آمیز	۵/۵٪

جدی: مرد خطاب به زن پس از خروج از نمایشگاه خودرو: «مگه نگفتمم رفتیم داخل تو هیچی نگو؟ کاش تو رو با خودم نیاورده بودم. اینجوری که تو ایراد می گیری آخرش من با هیچکس معامله نمی شه».

تحقیر آمیز: کارمندی خطاب به همکارش: «من نمی دونم چرا همیشه باید با تازه وارد کارکنم! حرفای علمی و پژوهشیتو برای خودت نگه دار. اینجا کاربردی ندارن».

تهدید آمیز: برادر خطاب به خواهر در حالی که سوار دوچرخه می شود: «به مامان نگی من رفتم بازی ها. آگه بگی منم می گم چرا شکلاتا زود تموم می شه».

نصیحت آمیز: محتوای پستی در اینستاگرام

+ «به خانم با سیاست سه جا سکوت می کنه: وقتی کسی ازش درباره درآمدش می پرسه، وقتی کسی ازش درباره زندگی زناشویی می پرسه و وقتی کسی ازش درباره برنامه های آینده زندگیش سؤال می کنه. چون این سه مورد از رازهای مهم زندگی هستن و هر کسی نباید بدونه».

شکایت آمیز: زنی در جلسه روضه خوانی مسجد: «خانوما چقدر حرف می زنید. از صاحب این خونه خجالت نمی کشید؟ اومدید روضه یا مهمونی؟»

طنز آمیز: این زن رو ول کنی تا صبح حرف می زنه. خانوم حرف بسه. تلفن سوخت. داره دود می ده. بچه ها هم شاهد. مگه نه بچه ها؟

۵. ۱. ۶. ابزار گفتمان:

زبانگ سکوت زنانه بیشتر به شکل گفتاری دیده می شود اما گاهی به شکل نوشتاری نیز دیده می شود. برای نمونه نظر کاربران برای پستی مربوط به مهریه در اینستاگرام:

+ «خب آگه نمی تونید مهریه بدید این همه سگه تعیین نکنید. الان چرا طلبکارین؟»

- «تو خفه شو. خودتم دنبال تیغ زدن با مهریه ای».

۵. ۱. ۷. قوانین گفتمان:

زنی که بخواهد با مردان یا افراد مسن تر از خودش صحبت کند، ابعاد زنانه وجودش را ابراز کند، یا از حق خودش دفاع کند و به شرایط موجود انتقادی داشته باشد، با این زبانگ مواجه می شود. به نظر می رسد فاصله قدرت در جامعه ایران زیاد است و افراد معمولاً تمایل دارند به مردان و حقوق آنها احترام بیشتری بگذارند و براساس روابط سلسله مراتبی، قدرت بحث را بیشتر به مردان واگذار کنند. بنابراین، زنان براساس تفکرات جامعه مردنگر که حقوق بیشتری برای مردان قائل هستند، معمولاً نادیده گرفته می شوند و باید در بیشتر مواقع سکوت کنند و گرنه بی ادب و گستاخ تلقی می شوند. از سوی دیگر در جامعه ایران براساس اعتقادات مذهبی زنی را دارای حجب

و حیا می‌داند که در مقابل نامحرم کمتر صحبت کند. این زبانهنگ در گفتمان‌ها به شکل داد زدن، بلند صحبت کردن، زیر لب غرغر کردن و قطع کردن صحبت دیگری دیده می‌شود. نمونه برای قطع کردن صحبت:

زن: «من فکر می‌کنم آگه برای دیوار سمت راستی آیینۀ دکوراتیو در نظر بگ...»

مرد: «خانوم یه دقیقه ساکت باش بینم دارم چیکار می‌کنم. دیوار سمت راست رو هم کاغذ دیواری بزنید.»

نمونه برای زیر لب غرغر کردن: مادر و دختر در دفتر مشاوره حقوقی:

دختر: «این همه بلا سرم آورد. این همه کوتاه اوادم دیگه کوتاه نیام...»

مادر: «آبرومون کم تو در و همسایه رفته حالا اینجام هم داره جیغ می‌زنه همه بفهمن چه خبر شده. لال بشی ایشالا. خودت کردی.»

۵. ۱. ۸. نوع گفتمان: این زبانهنگ در انواع گوناگونی مانند مکالمه، ضرب‌المثل و اصطلاح، شعر، نثر، داستان، فیلم و احادیث کاربرد دارد.

ضرب‌المثل: «دختر باید زیورنش رو هفت دور دور دهندش بچرخونه بعد حرف بزنه»

شعر: در خرمی بر سرایی ببند / که بانگ زن از وی بر آید بلند

حدیث: رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که بیعت با زنان نازل شد، با آنان بیعت کرد و شرط کرد که با مردان صحبت نکنند (Ibn Sa'd, 1968, Vol. 8, p. 10)

۵. ۲. بررسی زبانهنگ سکوت زنانه بر اساس الگوی هیجامد

طبق بررسی‌های انجام شده از مصاحبه با ۱۱۷ نفر افراد به صورت نمونه‌گیری تصادفی، افراد در جامعه ایران معنای این زبانهنگ را می‌دانند و این زبانهنگ هنوز در جامعه ایران رواج دارد، آن‌ها این زبانهنگ را شنیده‌اند، در متون فارسی دیده‌اند و در ارتباط با دیگران با آن مواجه هستند. برخی خودشان از این زبانهنگ استفاده می‌کنند و کسانی هم هستند که درباره این زبانهنگ تحت عنوان آزارهای کلامی یا سایر عناوین فمینیستی اطلاعات جمع‌آوری می‌کنند و آن را مورد بررسی قرار می‌دهند. بنابراین، هیجامد افراد نسبت به این زبانهنگ در سطوح هیجامدهای جامع و مرجع قرار دارد (۸۱٪) و بسامد استفاده از این زبانهنگ در مکالمات روزمره زیاد است. لازم به ذکر است افرادی که از آن استفاده می‌کنند و موافق سکوت زنان هستند، نسبت به آن هیجان و احساس مثبت دارند (۷۵٪) اما در مقابل، افرادی که موافق سکوت زنان نیستند یا خودشان هدف این زبانهنگ قرار گرفته‌اند، نسبت به آن هیجان و احساس منفی دارند (۸۲٪). برای نمونه دختری در حال درد دل با دوستانش:

«من دیگه خسته شدم. سکوت کردم که وضعم اینه. انقدر فکر آبروی خانواده‌م رو کردم که حالا کار به اینجا کشیده. دیگه چرا باید ساکت شم؟»

۵. ۳. بررسی زبانهنگ سکوت زنانه بر اساس الگوهای فرهنگی

با توجه به الگوهای فرهنگی معرفی شده، به نظر می‌رسد یکی از علت‌های کاربرد زبانهنگ سکوت زنانه، وجود فاصله قدرت زیاد در فرهنگ ایرانی است. در این جامعه، جنسیت، سن و موقعیت اجتماعی در تعیین میزان قدرت دخیل هستند و از این حیث مردان، افرادی

که سن بیشتر یا شغل و جایگاه اجتماعی بهتری دارند، احترام بیشتری کسب می کنند و قدرت بالاتری دارند، زنان در مقابل آن‌ها به سکوت دعوت می شوند، کمتر اجازه اظهار نظر دارند و از آن‌ها انتظار می رود در اکثر مواقع کمتر صحبت کنند، بنابراین بیشتر تشویق به انتظارمندی بالا می شوند. از سوی دیگر در اکثر کاربردهای این زبانهنگ، فردیت زن به عنوان یک شخص مستقل زیر سؤال می رود و از او خواسته می شود با توجه به حضور دیگران، احتمال ناراحتی یا عصبانیت آن‌ها و برای حفظ آبرو سکوت کند یا با خودسانسوری سخن بگوید. این مسئله با ارزش وجود شرم، نجابت و حیا در زنان ایرانی نیز گره می خورد. او باید به گونه ای رفتار کند که در جامعه زنی با شرم و حیا و نجیب معرفی گردد و دیگران با دید مثبتی به او نگاه کنند. این مسائل همگی نشان دهنده وجود جمع گرایی، کل نگر، بافت قوی و شرم محوری در فرهنگ ایرانی هستند. مسئله جمع گرایی و حفظ آبرو چیزی است که به طور کلی در جامعه ایرانی دارای اهمیت است اما در رابطه با زنان، تحقیر جنسیتی نیز اتفاق می افتد. به عنوان نمونه گفته می شود: «تا وقتی مرد هست که زن حرف نمی زنه» که در گنه این جمله، برتری دادن به جنسیت مرد و انتظار خطای کمتر در گفته او نهفته است. اگر مردی مرتکب خطایی شود یا حرف نابه جای بزند کمتر از یک زن سرزنش می شود و برچسب بی حیایی و بی عفتی نیز نمی خورد که این می تواند نشان دهنده وجود فرهنگ مردنگری در جامعه ایرانی باشد. طبق بررسی ها، به نظر می رسد جامعه ایران جامعه ای «سخت گیر» نیز است چراکه با واداشتن زنان به سکوت، در واقع اختیار و کنترل آن‌ها بر گفتار، رفتار و زندگیشان کمتر می شود، آن‌ها باید در موارد زیادی تمایلات و خواسته های خود را سرکوب کنند و افراد این جامعه بر افکار و اعتقادات خود پایبند هستند و در برابر تغییر مقاومت می کنند. لازم به ذکر است در بطن جامعه هنوز برابری زن و مرد به طور کامل پذیرفته نشده است و مصلحت زنان سکوت و خاموش ماندن است. بنابراین، به نظر می رسد جامعه ایرانی در زمره جوامع تخته سنگی نیز قرار می گیرد.

6. بحث و نتیجه گیری

حضور فعال زنان در خانواده و جامعه مکمل حضور مردان است و جامعه را به سوی آرامش سوق می دهد (Sanepour, 2017)؛ اما این حضور در صورتی ممکن است و منجر به پیشرفت می شود که آن‌ها بتوانند عقاید و نظرات خود را به راحتی بیان کنند. در جامعه ایرانی برخی مسائل فرهنگی و اجتماعی وجود دارند که باعث خاموش ماندن زنان می شوند و آنان تشویق به انتظارمندی بالا از دیگران می شوند. به عبارت دیگر عادت می کنند که بدون فعالیتی خاص در بیشتر موارد متکی به همسر، پدر و مردان زندگی خود باشند و آنان نیازهایشان را برطرف کنند. از این رو در پژوهش حاضر با توجه به ارتباط زبان و فرهنگ تلاش شده است تا برخی از این مسائل از میان مکالمات افراد جامعه شناسایی و بررسی شوند تا در آینده بتوان از این شناخت، جهت اصلاح و تغییرات فرهنگی در این زمینه بهره برد. بررسی ها نشان داد زبانهنگ سکوت زنانه در محیط های عمومی / رسمی و خصوصی / غیررسمی به کار می رود اما بسامد استفاده از آن در محیط خصوصی / غیررسمی بیشتر است. این مسئله می تواند با فرهنگ جمع گرایی در ایران مرتبط باشد. به این معنا که در این گونه جوامع رعایت ادب و احترام در حضور دیگران بسیار مهم است و اشخاص همواره در تلاش هستند تا تصویر خوبی از خود ارائه کنند. بنابراین در جمع های عمومی / رسمی و نزد دیگران، کمتر از موقعیت های خصوصی و خانوادگی از عبارات توهین آمیز استفاده می کنند. از سوی دیگر زنان نیز به دلیل همین ویژگی جمع گرایی و توجه به شرم، حیا و آبروی خود و خانواده نسبت به مشکلات و خشونت ها اعتراض کمتری می کنند که این مسئله گستاخ شدن مردان در محیط خانواده و موقعیت های خصوصی / رسمی را به همراه دارد. نویدنیا و شاملو (Navidnia & Shamloo, 2018) نیز در پژوهشی با تأیید این مسئله، توجه زنان به حفظ آبرو، شرم و حیا را علت ایجاد خشونت پنهان بر آن‌ها می دانند. از سوی دیگر، دین و مذهب نیز از عوامل تعیین نقش زن و مرد در خانواده و جامعه هستند و وجود برخی روایات کم اعتبار که در طول تاریخ ایران پس از ورود اسلام دست مایه سخنان برخی افراد شده اند، بر روی خاموشی زنان اثر زیادی داشته است. روایاتی هم چون حدیث مناهی که در یکی از بندهای آن زنان از تکلم بیش از پنج کلمه با غیر محرم نهی شده اند که از این

دست روایات و احادیث بی اعتبار دیگر بسیار است (طاهری‌نیا، ۱۳۸۶). چنین روایت‌هایی باعث ایجاد برخی باورهای عمومی اشتباه در مورد تکلم زن و مرد در جامعه ایرانی شده است.

در مجموع یافته‌های این پژوهش نشانگر این بود که افراد با اهدافی نظیر سرزنش، تحقیر و توهین، ایجاد شرم، نصیحت و خیرخواهی، درخواست چشم‌پوشی و ایجاد ترس و تهدید و با لحن‌های مختلف از این زبانهنگ استفاده می‌کنند. تبعیض‌های جنسیتی، روابط سلسله‌مراتبی و حفظ آبرو می‌توانند از عوامل کاربرد زبانهنگ سکوت زنانه با اهداف ذکر شده باشند. در مواردی نیز کاربرد این زبانهنگ با هدف خیرخواهی است مانند مادری که دختر خود را به سکوت در برابر همسر وامی‌دارد تا از فروپاشی زندگی مشترک او جلوگیری کند. هرچند که ممکن است بنیان این خیرخواهی بر تفکری نادرست باشد.

هم‌چنین براساس مفهوم هیجامد، استفاده از این زبانهنگ در جامعه ایرانی رایج است و افرادی که از آن استفاده می‌کنند و موافق کاربرد این زبانهنگ هستند، نسبت به آن هیجان و احساس مثبتی دارند. از سوی دیگر مخاطبان این زبانهنگ و کسانی که مخالف کاربرد آن هستند، نسبت به آن هیجان منفی دارند. نتایج حاصل از بررسی زبانهنگ سکوت زنانه می‌تواند نشانگر فرهنگ جمع‌گرایی، کل‌نگری، شرم‌محوری و بافت قوی و تشویق به انتظارمندی بالا در ایرانیان باشد. در جامعه ایرانی رفتار فرد در حضور دیگران بسیار مهم است و افراد سعی می‌کنند تصویر خوبی از خود ارائه بدهند؛ حتی اگر ذهنیت آن‌ها با تصویری که ارائه می‌دهند متفاوت باشد. بنابراین، در چنین جوامعی اطرافیان، زنان را به منظور احترام به دیگران، حفظ آبرو در جامعه و نجیب شناخته شدن وادار به سکوت می‌کنند و از آنان انتظار می‌رود به جای فعال بودن در جامعه انجام بیشتر فعالیت‌های خود را به مردان بسپارند. از طرفی جامعه نیز عموماً پست‌های موقعیتی مهم را برای مردان در نظر می‌گیرد. هم‌چنین این زبانهنگ بیانگر وجود فاصله قدرت زیاد در جامعه ایران است. در این جامعه بزرگ‌ترها، مردان و کسانی که موقعیت اجتماعی بهتری دارند معمولاً از نفوذ کلام و احترام بیشتری برخوردار هستند، بنابراین زنان به بهانه احترام، شرم و حیا وادار به سکوت در برابر آن‌ها می‌شوند. در همین راستا شهبازی و وظیفه‌شناس (Shahbazi & Vazifehshenas, 2016) زبان را عامل ایجاد تمایزهای سلسله‌مراتبی و روابط نامتقارن قدرت می‌دانند که سبب می‌شود گروه‌هایی مانند زنان در جامعه ضعیف‌تر باشند و به حاشیه رانده شوند. مردنگری و سخت‌گیری نیز دو بُعد دیگری از فرهنگ هستند که در جامعه ایرانی دیده می‌شوند. احترام به مردان، اولویت دادن به نظر و حرف ایشان و قدرت اجتماعی بیشتری که به آن‌ها داده می‌شود، نشان از وجود فرهنگ مردنگری در ایران و انتظارمندی بالا از آنان است. پژوهش زارع شاه‌آبادی و ندرپور (Zare Shahabadi & Naderpoor, 2016) نیز تأییدکننده همین موضوع است و تبعیض‌های جنسیتی و ارزش‌های مردسالاری را از عوامل خشونت بر زنان می‌داند. علاوه‌بآن، مردم ایران خواسته‌ها و تمایلات خود را تا حد زیادی کنترل می‌کنند و به تنظیم هنجارهای اجتماعی می‌پردازند. به همین دلیل وظیفه یک زن می‌دانند که مطابق با هنجارهای اجتماعی به کنترل رفتار و گفتارهای خود بپردازند و در موارد زیادی تمایلات و خواسته‌های حقیقی خود را پنهان کند. به نظر می‌رسد جامعه ایران دارای فرهنگ تخته‌سنگی نیز است (Pishghadam & Ebrahimi, 2020). از گذشته تاکنون، زنان موظف به احترام به مردان هستند و مردان نسبت به زنان احساس مالکیت، سلطه و قدرت دارند که این کلیشه‌های جنسیتی با کمترین تغییر به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود. روحانی و عابدی دیزناب (Ruhani & Abedi, 2020) نیز بر این نکته که کلیشه‌های جنسیتی توسط خانواده و جامعه به کودکان انتقال و آموزش داده می‌شود تأکید می‌کنند و معتقدند کلیشه‌های نابرابر جنسیتی در فرهنگ‌های مختلف متفاوت هستند. از سوی دیگر وجود فرهنگ انتظارمندی بالا در ایرانیان و به‌ویژه زنان، سبب می‌شود تا آن‌ها به شخصیت‌هایی منفعل تبدیل شوند و به دلیل اینکه خودشان در حال انجام فعالیت‌های مدنظرشان نیستند، توانایی اظهار نظر کمتری داشته باشند. ضمن اینکه اعتقاد به قسمت و سنت مانع از ایجاد تغییر در شرایط زندگی آن‌ها می‌شود و با توجه به پایبندی به سنت‌ها و رعایت مراتب سلسله‌مراتبی، تصمیم‌گیری نهایی به عهده مردان خانواده است. بدین ترتیب صدای

نظرات زنان معمولاً خاموش می‌ماند. بنابر آنچه ذکر شد، سکوت زنان، مشکلاتی از جمله کم‌شدن اعتماد به نفس آن‌ها، حضور کم‌رنگ در جامعه و ناتوانی در دفاع از حقوق خود در برابر دیگران را در پی خواهد داشت. بنابراین لازم است با فرهنگ‌سازی در این باره، زمینه را برای رفتار و گفتار مناسب و شایسته با زنان ایرانی فراهم کرد تا از آن پس زنان حضور پررنگ و اثرگذاری در جامعه داشته باشند و کشور از نیروی آن‌ها برای توسعه و تعالی فرهنگی بهره‌بردارد. مسئولان می‌توانند با تولید محتوای مرتبط با این مسئله در کتاب‌های درسی و رسانه‌های عمومی از جمله تلویزیون، رادیو و روزنامه‌ها به فرهنگ‌سازی و کاهش مشکل سکوت زنان کمک کنند. مدیران و رؤسای شرکت‌ها با اهمیت دادن به نظرات بانوان و شنیدن صدایشان، معلمان با آموزش رفتارهای صحیح با بانوان، استادان دانشگاه‌ها و حتی اعضای خانواده همگی در جایگاه خود توان مقابله با این مسئله و ایجاد تغییر را دارند. این پژوهش با محدودیت‌هایی از جمله عدم دسترسی به برخی از موقعیت‌های خصوصی روبه‌رو بود. ضمن اینکه افراد گاهی با استفاده از اشاره، زبان بدن و حتی سکوت‌های غیرعادی زنان را به صورت غیرمستقیم به سکوت وامی‌داشتند و به علت اینکه این پژوهش به واکاوی سکوت زنان در بستر زبان می‌پرداخت، چنین داده‌هایی کنار گذاشته شدند. از سوی دیگر در این پژوهش به زبانهنگ سکوت زنان به عنوان یکی از مشکلات آزاردهنده زنان ایرانی در هنگام حضور در خانواده و اجتماع پرداخته شد، اما عوامل و مشکلات دیگری نیز وجود دارند. بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده به زبانهنگ‌هایی نظیر زبانهنگ تحقیر جنسیتی زنان، آزار زنان علیه زنان و دشمنی جنسیتی زن‌محور نیز پرداخته شود. هم‌چنین می‌توان زبانهنگ سکوت زنان را از منظر تاریخی و با توجه به تغییر شکل و تحولات احتمالی آن در طول تاریخ مورد تحلیل قرار داد و به بررسی این زبانهنگ در ادیان گوناگون، آیات و احادیث و ... پرداخت. بررسی این زبانهنگ در سایر جوامع و کشورها از جمله افغانستان، پاکستان، ترکیه و ... و تطبیق آن‌ها با فرهنگ ایران و یا با تفکیک قومیت‌ها در ایران نیز می‌تواند اطلاعات ارزشمندی به دست دهد.

فهرست منابع

- ابراهیمی، شیما و جهانی، زهرا (۱۴۰۰). الگوی مفهومی زبانهنگ، روشی مؤثر در معرفی فرهنگ ایرانیان به غیرفارسی‌زبانان (مطالعه موردی: زبانهنگ مرگ‌اندیشی در شاهنامه فردوسی). *پژوهش‌نامه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان*، ۱۰(۲۲)، ۱۰۵-۱۳۵.
- ابراهیمی، شیما و جهانی، زهرا (۱۴۰۱). بررسی نقش زبانهنگ‌های آموزشی در تدریس زبان و ادبیات فارسی (مطالعه موردی: دانش‌اندوزی). *آموزش پژوهی*، ۸(۲۲)، ۳۳-۴۹.
- ابن سعد بن منیع، محمد (۱۳۴۷). *الطبقات الکبری*. جلد ۸. بیروت: دار صادر.
- ابن هشام حمیری، عبدالملک (۱۳۸۲). *السیره النبویه*. جلد ۲. بیروت: دار صادر التراث العربی.
- پیش‌قدم، رضا (۱۳۹۱). معرفی زبانهنگ به عنوان ابزاری تحول‌گرا در فرهنگ‌کاوی زبان. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۴۵(۴)، ۴۷-۶۲.
- پیش‌قدم، رضا، ابراهیمی، شیما و طباطبائیان، مریم‌سادات (۱۳۹۸). *رویکردی نوین به روان‌شناسی آموزش زبان*. انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- پیش‌قدم، رضا، درخشان، علی و جنتی عطایی، اعظم (۱۳۹۹). واکاوی زبانهنگ مردسالاری و زن‌سالاری در فرهنگ ایرانی: مقایسه موردی فیلم‌های سینمایی ایران در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۹۰. *زن در فرهنگ و هنر*، ۱۲(۱)، ۹۱-۱۱۵.
- پیش‌قدم، رضا، طباطبائیان، مریم‌سادات و ناوری، صفورا (۱۳۹۲). *تحلیل انتقادی و کاربردی نظریه‌های فراگیری زبان اول: از پیدایش تا تکوین*. چاپ دوم. ویراست دوم. انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- روحانی، علی و عابدی دیزناب، محدثه (۱۳۹۹). دوآلیته تبعیض و امید، نظریه‌ای زمینه‌ای از تراژکتوری شکل‌گیری تبعیض جنسیتی میان زنان طبقه متوسط شهر تبریز. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۸(۱)، ۵۵-۷۹.

- زارع شاه‌آبادی، اکبر و ندرپور، یاسر (۱۳۹۵). رابطه بین مردسالاری و خشونت خانگی علیه زنان در شهر کوه‌دشت. *رفاه اجتماعی*، ۱۶(۶۰)، ۸۶-۶۱.
- سهراب‌زاده، مه‌ران و منصوریان راوندی، فاطمه (۱۳۹۶). تجربه زیسته زنان از خشونت کلامی در خانواده (مطالعه موردی: زنان شهر کاشان). *زن در فرهنگ و هنر*، ۹(۲)، ۲۴۵-۲۶۴.
- شهبازی‌مقدم، ناهید و وظیفه‌شناس، سارا (۱۳۹۵). ساختار بنیادی خشونت در زبان و تاثیر آن بر خشونت و تجاوز علیه زنان از دیدگاه غربی. *غرب‌شناسی بنیادی*، ۱۷(۱)، ۲۹-۴۴.
- صادق‌زاده، مرضیه، بشارده، شیدا و خرمائی، فرهاد (۱۴۰۰). رابطه هم‌نوایی با هنجارهای زنانه و ادراک تبعیض‌های جنسیتی با کیفیت زندگی زنان ایرانی: نقش واسطه‌ای خودخاموشی. *پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زنان*، ۳(۱)، ۷-۲۲.
- صانع‌پور، مریم (۱۳۹۶). حضور مادرانه زنان در قدرت و سیاست. *پژوهش‌نامه زنان*، ۸(۱۹)، ۱۲۱-۱۴۱.
- طاهری‌نیا، احمد (۱۳۸۶). ارتباط گفتاری زن و مرد نامحرم از دیدگاه کتاب و سنت. *معرفت*، ۱۶(۱۱)، ۱۱۳-۱۳۲.
- فلک‌الدین، زهرا و حاجی‌زاده میمندی، مسعود (۱۴۰۱). نقش زنان در شادکامی خانواده: مطالعه کیفی در شهر یزد. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۳(۴)، ۹۵-۱۲۲.
- قیطاسی، شیدا و عزیزی، نعمت‌الله (۱۳۹۹). نقش زنان دانشگاهی در توسعه پایدار و همه‌جانبه. *زن و فرهنگ*، ۱۲(۴۵)، ۹۷-۱۰۹.
- کرمی، محمدتقی و علی‌آبادی، شیما (۱۴۰۰). درک و تصور زنان از مقوله حیا؛ بررسی پدیدارشناختی. *علوم اجتماعی*، ۲۸(۹۵)، ۷۱-۱۰۶.
- لطفی دهخوارقانی، لیلا و مهارتی، یعقوب (۱۴۰۱). احصاء مدل سکوت سازمانی زنان دانشگاه‌ها. *پژوهش‌های مدیریت عمومی*، ۱۵(۵۷)، ۸۸-۱۱۵.
- نویدنیان، منیژه و شاملو، ابراهیم (۱۳۹۷). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر همسرآزاری با تأکید بر نقش نظام مردسالاری در خانواده. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۶(۱)، ۱۳۱-۱۴۷.

منابع بین‌المللی

- Aiston, S. J., & Fo, Ch. (2020). The silence/ing of academic women. *Gender and Education*, 33(3), 1-18.
<http://dx.doi.org/10.1080/09540253.2020.1716955>
- Benedict, R. (1946). *The chrysanthemum and the sword: Patterns of Japanese culture*. Houghton Mifflin.
- Billmes, J. (1994). Constituting silence: Life in the world of total meaning. *Semiotic*, 98, 73-87.
<http://dx.doi.org/10.1515/semi.1994.98.1-2.73>
- D'Andrade, R. (1998). *The development of cognitive anthropology*. Cambridge University Press.
- Dawkins, R. (1976). *The selfish gene*. Oxford University Press.
- Dawkins, R. (1989). *The selfish gene*. Oxford University Press.
- Ebrahimi, Sh., & Jahani, Z. (2021). The cultuling analysis model as an effective approach in teaching Iranian culture to non-Persian speakers: The case of the cultuling of mortal thoughts in the Shahname. *Journal of Teaching Persian to Speakers of other Languages*, 10(22), 105-135. [In Persian]
<https://doi.org/10.30479/jtpsol.2021.15104.1521>
- Ebrahimi, Sh., & Jahani, Z. (2022). An investigation in to the role of educational cultulings in teaching Persian language and literature: The case of "Accumulating knowledge". *Journal of Education Study*, 8(32), 33-49. [In Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.25884182.1401.8.32.3.8>

- Falakodin, Z., & Hajizadeh Meymandi, M. (2023). Women's role in family happiness: A qualitative study in Yazd. *Journal of Applied Psychology*, 33(4), 95-122. [In Persian] <https://doi.org/10.22108/jas.2022.130447.2170>
- Gheitasi, Sh., & Azizi, N. (2020). The role of university graduated women in sustainable and inclusive development. *Woman and Culture*, 12(45), 97-109. [In Persian] <https://sanad.iau.ir/journal/jwc/Article/678285?jid=678285>
- Goffman, E. (1971). *Relations in public*. Harper & Row.
- Hall, E.T. (1976). *Beyond culture*. Doubleday.
- Halliday, M. A. K. (2003). *On language and linguistics*. Continuum.
- Hofstede, G., Hofstede, G., & Minkov, M. (1991). *Cultures and organizations: Software of the mind*. Mc Grow-Hill.
- Hymes, D. (1967). Models of interaction of language and social setting. *Journal of Social Issues*, 23(2), 8-28. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1540-4560.1967.tb00572.x>
- Hymes, D. (1972). Models of the interaction of language and social life in J. J. Gumpers & D. Hymes (Eds), *Directions in sociolinguistics: The ethnography of communication* (PP. 35-71). Holt, Reinhart and Winston.
- Ibn Hisham Hemyari, A. (1963). *As-Sirah an Nabawiyyah* (Vol. 8). Dar Sader Publishers. [In Persian]
- Ibn Sa'd, M. (1968). *Al- Tabaghat al-kabir* (Vol. 2). Dar Sader Publishers. [In Persian]
- Ji, L., Zhang, Z., & Nisbett, R. (2004). Is it culture or is it language? Examination of language effects in cross- cultural research on categorization. *Journal of Personality and Social Psychology*, 87(1), 57-65. <http://dx.doi.org/10.1037/0022-3514.87.1.57>
- Karami Ghahi, M. T., & Aliabadi, Sh. (2022). Women's perception of modesty, phenomenological investigation. *Journal of Social Sciences*, 28(95), 71-106. [In Persian] <https://doi.org/10.22054/qjss.2023.67836.2530>
- Kay, P., & Kempton, W. (1984). What is the Sapir-Whorf hypothesis?. *American Anthropologist*, 86(1), 65-79. <http://dx.doi.org/10.1525/aa.1984.86.1.02a00050>
- Kurzorn, D. (2007). Towards a typology of silence. *Journal of Pragmatics*, 10(39), 1672-1688. <http://dx.doi.org/10.1016/j.pragma.2007.07.003>
- Lotfi Dehkhargani, L., & Maharati, Y. (2022). Exploring the model of women silence in universities. *Public Management Researches*, 15(57), 88-115. [In Persian]
- Minkov, M. (2011). *Cultural differences in a globalizing world*. Emerland publishing.
- Navidnia, M., & Shamloo, E. (2018). Social factors affecting spouse abuse in the family with emphasis on the role of patriarchy system of the family. *Woman in Development and Politics*, 16 (1), 131-147. [In Persian] <https://doi.org/10.22059/jwdp.2018.238552.1007244>
- Pishghadam, R. (2013). Introducing cultuling as a dynamic tool in culturology of language. *Language and Translation Studies*, 45(4), 47-62. [In Persian]
- Pishghadam, R. (2015). Emotioncy in language education: from exvovement to involvement. Paper presented at *the second conference of interdisciplinary approaches to language teaching, literature and translation studies*, Mashhad, Iran.
- Pishghadam, R. (2024). Emotional-cognitive dynamics of “waitance”: Unraveling its relationship with teaching burnout. *Journal of Cognition, Emotion and Education*, 2(1), 66–75. <https://doi.org/10.22034/cee.2024.189873>
- Pishghadam, R., Derakhshan, A., & Jannati Ataei, A. (2020). Analysis of the cultuling of "patriarchy" and "matriarchy" in Iranian culture: A comparative case study of Iranian movies in two decades. *Journal of Woman in Culture and Art*, 12(1), 91-115. [In Persian] <https://doi.org/10.22059/jwica.2020.299933.1415>

- Pishghadam, R., & Ebrahimi, S. (2020). *Cultuling: A novel approach to examine Iranian's cultural meme*. Amazon Publications Inc.
- Pishghadam, R., & Ebrahimi, S. (2024). *Cultuling: A novel approach to examine Iranian's cultural meme* (Second edition). LuLu Press.
- Pishghadam, R., Ebrahimi, S., & Derakhshan, A. (2020). Cultuling analysis: A new methodology for discovering cultural memes. *International Journal of Society, Culture and Language*, 8(2), 17-34. https://www.ijscsl.com/article_43256.html
- Pishghadam, R., Ebrahimi, S., Naji Meidani, E., & Derakhshan, A. (2020). An introduction to cultuling analysis in light of variational pragmatics: A step toward euculturing. *Journal of Research in Applied Linguistics*, 11(2), 44-56. <http://dx.doi.org/10.22055/RALS.2020.15473>
- Pishghadam, R., Ebrahimi, S., & Tabatabaeian, M. (2019). *A novel approach to psychology of language education*. Ferdowsi University of Mashhad Press. [In Persian]
- Ruhani, A., & Abedi Diznab, M. (2020). Dualism of discrimination and hope, a trajectory of gender discrimination among middle-class women in Tabriz, a grounded theory. *Woman in Development and Politics*, 18(1), 55-79. [In Persian] <https://doi.org/10.22059/jwdp.2020.290289.1007723>
- Sadeghzadeh, M., Beshardeh, sh., & Khormaei, F. (2022). The relationship between conformity to feminine norms and perception of gender discrimination with quality of life of Iranian women: The mediating role of self-silencing. *Women's Interdisciplinary Research*, 3(1), 7-22. [In Persian] <https://civilica.com/doc/1458532/>
- Sanepour, M. (2017). The maternal presence of women in power and politic. *Women's Studies*, 8(19), 121-141. [In Persian] https://womenstudy.ihcs.ac.ir/article_2663.html
- Shahbazi Moghadam, N., & Vazifehshenas, S. (2016). The core structure of violence in language and its effect on rape and violence against women: A Western perspective. *Fundamental Western Studies*, 7(1), 29-44. [In Persian] https://occidentstudy.ihcs.ac.ir/article_2214.html
- Sohrabzadeh, M., & Mansoriyan Ravandi, F. (2017). Women's lived experience of verbal violence in the family (Case study: Women in Kashan). *Woman in Culture and Art*, 9(2), 245-264. [In Persian] <https://doi.org/10.22059/jwica.2017.234644.883>
- Vygotsky, L. (1978). *Mind in society*. Presidents and Fellows of Harvard College.
- Vygotsky, L. (1986). *Thought and language*. MIT Press.
- Zare Shahabadi, A., & Naderpoor, Y. (2016). An investigation into the relationship between patriarchy and violence against woman in Koohdasht. *Social Welfare*, 16 (60), 61-86. [In Persian] <https://doi.org/10.22051/jwsps.2015.1496>

Investigating the Female Silence in Iranian Culture Based on the Conceptual Model of Cultuling Analysis

Shima Ebrahimi¹
Shahla Mohammadi Malekabadi²

Received: 2024/02/21

Accepted: 2024/08/09

1. Introduction

Women represent a large portion of any society, and their presence across different sectors can be highly beneficial. However, in certain situations, they may be forced to remain silent, which can negatively affect their performance within their family and society. This silence can prevent them from asserting their rights and voicing their views, resulting in low self-esteem, depression, and feelings of rejection. Given that individuals make use of language to convey messages, this paper aims to examine the utterances that encourage women to remain silent in Iranian society and analyze the cultural factors behind this behavior. The findings of this study will help to better understand the Iranian culture and work towards creating positive change and improvement (euculturing) and resolving women's issues.

2. Materials and Methods

The word "cultuling" is derived from the combination of two words, language and culture, and refers to the association between language and culture. Based on the definition of cultuling, words and phrases in different languages contain numerous cultural characteristics and a systematic examination of linguistic expressions from the perspective of different cultulings can offer invaluable insights into cultural issues.

To uncover the hidden culture in the language of Female silence, 840 utterances from daily conversations in various contexts and situations (e.g., family, offices, schools, universities, shopping centers, etc.), involving people of different ages, occupations, genders, and social status were collected. The conceptual model of cultuling analysis was employed to analyze the data. The utterances were analyzed from environmental, emotional, and cultural aspects. Hymes' SPEAKING model, along with the emotioncy model and various cultural models, such as the one by Hofstede, Hall and Minkov were employed to gain insights into the cultural nuances of women's language silence. Hymes' SPEAKING model examines linguistic expressions in terms

¹ Associate Professor of Persian Language Education, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
shimaebrahimi@um.ac.ir

² MA Student of Persian Language Education, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
shahla.mohammadimalekabadi@mail.um.ac.ir

of the physical environment surrounding the conversation, participants, tone, goals, etc. The emotioncy model focuses on the emotions and feelings experienced by participants in a conversation when speaking or listening to cultulings. Finally, linguistic expressions are examined from the perspective of different cultural patterns. Each of these patterns focuses on a specific cultural feature and explores it in depth.

3. Results and Discussion

Findings indicate that this cultuling is used in both public/formal and private/informal situations, but its use in private/informal situations is about seven times more frequent. In collectivist and shame-oriented societies, people are obliged to maintain face, observe etiquette and respect more in the presence of others. Therefore, the frequency of using this cultuling in public/formal situations is less than private/informal situations. Additionally, the results of the studies suggest that reproach, shame, humiliation and insult, advice and benevolence, threat and fear are among the most common goals of using this cultuling, which are expressed with diverse tones; ranging from serious and humiliating to benevolent and humorous.

This cultuling is utilized by people of varying ages, genders and social classes, and its frequency of use in Iranian society is high. People who use this cultuling have a positive emotion towards it, and on the other hand, the audience of this cultuling experiences negative and unpleasant emotions. The examination of this cultuling from the perspective of different cultural models suggests the presence of several key cultural dimensions in Iranian society, including collectivism, holism, shame-orientation, masculinity, high context culture, and restraint.

4. Conclusion

The cultural features of societies and the implementation of effective measures can mitigate various challenges and problems, including Female silence. Given the hidden cultural features in this cultuling, shame and modesty, face-saving, hierarchical relations and respect for elders and the male gender are considered cultural values in Iranian society. Therefore, within familial and other social institutions, when a woman wishes to voice her opinions, initiate a conversation and defend herself, she is compelled to navigate her speech through specific standards imposed by these cultural values, leading to self-censorship. Otherwise, others may assume the authority to silence her using various means. When these cultural values are identified, the implementation of effective measures can pave the way for the eradication of this cultuling. This can result in increased visibility and participation of women in society, enhancing their ability to voice their opinions both in the family and society and open the door for societal progress and propel society

towards cultural excellence. Reviewing and improving textbooks, enhancing school education, raising people's awareness through social media, and changing behavioral rules for women in companies and offices can serve as the foundation for bringing about changes.

Keywords: Women; Iranian Culture; Female Silence; Conceptual Model of Culturing Analysis; Euculturing

در انتظار چاپ